

## بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر اولویت مسائل فکری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

امید آهنچی<sup>۱</sup>  
لیدا حاجی‌بابا<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش، بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، محل سکونت و معدل بر اولویت مسائل فکری در ذهن دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف است تا مشخص شود آیا جنسیت و سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر اولویت مسائل فکری در ذهن دانشجویان مؤثر است یا خیر؟ **روش:** روش گردآوری داده‌ها، توصیفی پیمایشی و ابزار جمع‌آوری آنها پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف تشکیل می‌دهند که از میان آنها با توجه به فرمول کوکران، ۳۵۶ دانشجو به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه میان آنان توزیع شد. **یافته‌ها:** بر اساس یافته‌های پژوهش، میان دختران و پسران و نیز دانشجویان با معدل‌های مختلف، در اولویت‌بندی مسائل فکری، تفاوت معناداری وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج پژوهش، باید اولاً، تفاوت دختران و پسران نسبت به سرفصل‌های آموزشی دروس معارف اسلامی پذیرفته شود و بر مبنای آن برنامه‌ریزی‌های مناسب صورت پذیرد؛ ثانیاً، اهمیت مسائل مرتبط با خانواده متعادل برای همه دانشجویان تبیین شود.

**واژگان کلیدی:** متغیرهای جمعیت‌شناختی، اصول عقاید، مسائل اجتماعی عصر حاضر، سبک زندگی، فلسفه اخلاق.

♦ دریافت مقاله: ۹۹/۰۶/۱۴؛ تصویب نهایی: ۹۹/۱۰/۰۱.

۱. دکترای فلسفه و حکمت اسلامی، استادیار مرکز معارف اسلامی و علوم انسانی دانشگاه صنعتی شریف (نویسنده مسئول). نشانی: تهران؛ خیابان آزادی، دانشگاه صنعتی شریف. نمابر: ۶۶۰۰۵۱۱۰ / Email: ahanchi@sharif.ir

۲. کارشناس ارشد رشته مدیریت اجرایی، دانشگاه تهران.

## الف) مقدمه

با دقت در تاریخ بشری روشن می‌شود که همواره دین و دینداری، از موضوعات چالش‌برانگیز بوده است. دین‌شناسان، وجود دین را برای تفسیر صحیح حیات دنیوی، دستیابی به هدایت الهی، معنا و نشاطبخشی به زندگی آدمیان و همچنین تأمین سعادت دنیا و آخرت ضروری دانسته‌اند. البته ایشان در خصوص گستره حداقلی و حداکثری دین اختلاف نظر دارند. با اهمیت یافتن «عینیت» در دانش و «فردیت» در جامعه و رشد جریانهای عرفی، امروزه بررسی وضع جامعه و تغییرات دینداری، موضوعیت پیدا کرده و متفکران دین‌پژوه را به واکاوی و معرفی شاخصها و ابعاد آن مشغول کرده است (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۸). بعد شناختی از مهم‌ترین ابعاد هر دین محسوب می‌شود که شامل اعتقادات و باورهای دینی است؛ زیرا تحول در آن، به تغییر سایر ابعاد دین، از جمله اعمال و مناسک منجر می‌شود (میرسندسی، ۱۳۹۰). دینداری جلوه و مصداق دین است و کلیدی مهم برای درک ساختارها و فرایندهای وجودی فرد و جامعه محسوب می‌شود. به همین سبب، بررسی آن در سطوح مختلف و با رویکردهای گوناگون، اهمیت فراوان دارد (سفری و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، امروزه نسل جوان جامعه، به ویژه دانشجویان، اولاً به سبب سیطره فناوری که به از میان رفتن مرزها و تبادل هرچه بیشتر اطلاعات، فرهنگها و باورها انجامیده است و ثانیاً، با حضور در دانشگاه که به صورت بالقوه، محلی برای تضارب آراست، در حوزه دین‌باوری و دینداری با سردرگمی بسیار مواجه شده‌اند. روشن است که در این عصر، بیان فواید و لزوم دین و دینداری و انتقال صحیح آن به مخاطبان، هم بطلان ادعای مخالفان ضرورت دین را اثبات می‌کند و هم نیاز انسان به دین را تبیین می‌کند؛ اما آنچه باید بدان توجه کرد، تقویت رویکردهای خلاقانه در عرصه نظام آموزشی معارف اسلامی و علوم دینی است. بدین منظور، در پژوهش حاضر تلاش شده است با بررسی نظرات دانشجویان، تأثیر جنسیت و همچنین سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر اولویت مسائل و مقولات اعتقادی سنجیده شود تا بدین وسیله، راهکار مناسبی در اختیار مسئولان و فعالان حوزه آموزش معارف اسلامی قرار گیرد.

### ۱. بیان مسئله

مبنای دین اسلام به گونه‌ای است که در این دین، تقلید در اصول، مردود و بنای پذیرش اصول دین بر عقلانیت و تفکر استوار است. آیات زیادی از قرآن کریم، اعتبار حجت عقلی و استدلال عقلی آزاد را مسلم می‌شمارند. به بیان علامه طباطبایی، روش قرآن کریم این نیست که به پیروان خود بگوید ابتدا حقایق معارف اسلامی را بپذیرید و سپس به احتجاج عقلی پردازید تا برای مطالب پذیرفته‌شده خود، استدلال ترتیب دهید؛ بلکه با اعتماد کامل به حقایق خود، انسانها را ابتدا به سوی احتجاج عقلی آزاد دعوت می‌کند تا آنان پس از بهره‌مندی از آن، به ایمانی راستین نسبت به معارف دینی دست یابند (طباطبایی،

۱۳۷۸: ۷۹-۷۸). علامه طباطبایی حجیت برهان عقلی را ذاتی، قطعی و از امور بدیهی می‌داند (همو، ۱۴۱۷، ج ۵: ۲۵۸). بنابر این، دامنه حجیت استدلال عقلی، آزاد و برهان، چه پیش از اثبات وحی و چه پس از آن همواره پابرجاست. بر همین مبنا، همواره بر اهمیت اندیشیدن و کمال عقلانی در افراد و آموزشهای مرتبط با آن تأکید شده است. آموزش معارف دینی در ایران، به ویژه در حوزه متون آموزشی، دارای چند مشکل اساسی است؛ مدرسه‌ای بودن دین در حوزه آموزش دینی، بی‌توجهی به تجربه و زیست دینی افراد، کم‌اهمیتی به تخصص و کسب تجربه در آموزش دینی، نگاه کردن به دین به مثابه یک بحث ایدئولوژیک و آرمانی، تکراری شدن مباحث دینی، صوری و ظاهری شدن مناسک و مراسم دین و نیز دایره‌المعارفی بودن مباحث دینی که از آموزش مستقیم آن نشأت می‌گیرد، از جمله این مشکلات‌اند و همین امر، دانشجویان را کمتر به دین و مسائل دینی علاقه‌مند ساخته است (بهار، ۱۳۸۵). رویکرد کاربردی بودن متون درسی معارف اسلامی به منظور فراهم کردن زمینه لازم برای دستیابی به وحدت و یکپارچگی در عرصه مجموعه آموزشهای ارائه‌شده در نظام آموزشی به منظور استفاده هوشمندانه از ظرفیت دروس معارف اسلامی، تأکید شده است. همچنین اتخاذ رویکرد غیر تجویزی به متون آموزشی دینی به معنای باز گذاشتن بخشی از برنامه آموزشی به منظور تناسب نیازها، تمایلات و دغدغه‌های متنوع و غیر قابل پیش‌بینی دانشجویان مورد توجه صاحب‌نظران است. (مهرمحمدی و صمدی، ۱۳۸۲؛ کشاورز، ۱۳۸۷)

تحقیقات انجام‌شده در مدارس و دانشگاهها، نشان از آن دارد که مسئله آموزش دین وضعیت مطلوبی ندارد و گاه نیز با تأثیرات معکوس همراه است. این مسئله باعث شده تا ناکارآمدی‌های مذکور تا حد زیادی در بحران‌آفرینی‌های مشاهده‌شده در رفتارهای دینی نسل جوان ما سهم مؤثری داشته باشد. (بامر، ۱۳۷۸)

با توجه به مطالب عنوان‌شده، روشن می‌شود که آموزش ارزشها و دستیابی به کمال عقلانی، باید به یکی از اهداف مهم نظام آموزشی بدل شود؛ به همین دلیل، فعالان حوزه آموزش معارف اسلامی سعی می‌کنند تا با تخصیص ساعاتی برای فراگیری این دروس در دانشگاهها، در امر تقویت شناخت، عقلانیت و معنویت دانشجویان، به عنوان یکی از اقشار اثرگذار جامعه بکوشند. از سویی باید به منظور افزایش کارایی این دروس، به ارتقای کیفیت و جذابیت کلاسهای آموزشی دروس معارف اسلامی، توجه و اهتمام ویژه داشت. بدین منظور باید دقت کرد که آیا تفاوت‌های فردی و متغیرهای جمعیت‌شناختی گوناگون، همچون جنسیت و سطح تحصیلات، بر باورها، اعتقادات، انتخاب راه و نحوه زندگی و چگونگی برخورد افراد با مقولات فکری، دینی و اخلاقی اثر می‌گذارند یا خیر. بررسی چگونگی تأثیر این متغیرها بر باورها و اعتقادات دینی است که فعالان حوزه آموزش این علوم را به انتخاب روشی صحیح‌تر و مؤثرتر رهنمون می‌سازد؛ زیرا انطباق میان آنچه دانشجو تمایل به دانستن آن دارد و آنچه به واسطه اساتید در کلاسهای درسی ارائه می‌شود، تأثیر بسزایی بر بهره‌دهی و ثمربخشی آموزش خواهد داشت.

آنچه از مطالعه ادبیات مربوط به این حوزه و پیشینه این پژوهش برمی آید، حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی با این هدف و برای پاسخ به این نیاز انجام نشده است. بر همین مبنا، در این پژوهش تلاش می‌شود تا با بررسی اثرات ناشی از تفاوت‌های جمعیت‌شناختی بر اولویت مسائل و مقولات فکری در ذهن دانشجویان، راهکار مناسبی در اختیار فعالان این حوزه قرار گیرد تا بدین صورت از اتلاف وقت و صرف هزینه‌های ناصحیح جلوگیری به عمل آید.

## ۲. پیشینه پژوهش

همان طور که بیان شد، مطالعه و بررسی تحقیقات صورت گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که پژوهشی با موضوع مشابه در ایران صورت نگرفته است.

سیف و حسینی (۱۳۸۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که از نظر سبک یادگیری، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی بیشتر سبک انطباقی (تجربه عینی و آزمایشگری فعال)، دانشجویان علوم پزشکی اغلب جذب‌کننده (تفکر انتزاعی و مشاهده تأملی) و دانشجویان فنی عموماً سبک واگرا (قدرت تخیل، خلاقیت و احساس قوی) دارند. آنها بین سبک‌های یادگیری دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری مشاهده نکردند.

حسین‌زاده (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود نشان داد که تسلط و احاطه اساتید بر محتوای دروس، ساماندهی صحیح کتب معارف اسلامی و استفاده بهینه و مؤثر از وسایل کمک‌آموزشی، باعث افزایش کیفیت آموزشی دروس معارف می‌شود.

مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که گرچه بیش از ۸۰ درصد دانشجویان با اصل آموزش دروس معارف اسلامی در دانشگاه موافق‌اند، اما محتوای آموزشی و شیوه ارائه آن را ضعیف می‌دانند؛ به طوری که حدود ۴۶/۱ درصد از دانشجویان، نگرش منفی به دروس معارف اسلامی دارند.

شفیع‌پور مطلق و خدادادی (۱۳۸۷) در بررسی عوامل مؤثر بر جذابیت دروس معارف اسلامی به این نتیجه رسیدند که چهار عامل اساتید دروس معارف، محتوای آموزشی، شیوه‌های ارزشیابی و محیط و جو کلاس، در جذابیت‌بخشی به این کلاسها و گسترش بحث و مناظره در آنها نقش اساسی دارند.

امینی، رحیمی و صمدیان (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود نشان دادند که از منظر دانشجویان، وضعیت کلی اجرای برنامه‌های درسی معارف اسلامی در دانشگاه نسبتاً در حد مطلوب قرار دارد؛ ولی در عین حال از مجموعه عوامل محتوای آموزشی، روش تدریس، توانایی علمی اساتید، ویژگی‌های شخصیتی اساتید، جایگاه دروس معارف اسلامی و نوع ارزشیابی در دروس معارف، نوع ارزشیابی به عنوان عمده‌ترین مانع اثربخشی ذکر شده است. همچنین در این پژوهش، رابطه میان موانع موجود بر تأثیرگذاری دروس معارف از منظر دانشجویان با خصایص جمعیت‌شناختی آنان بررسی شد. از میان خصایص جمعیت‌شناختی، در این

تحقیق به جنسیت، مقطع آموزشی و گرایش تحصیلی دانشجویان توجه شد و یافته‌ها حاکی از آن بود که دیدگاه دانشجویان درباره شیوه آموزشی دروس معارف اسلامی از حیث جنسیت، تفاوت معنادار داشته است؛ اما از حیث مقطع و گرایش تحصیلی، تفاوت معنادار نداشته است.

حلیمی جلودار (۱۳۹۴) در بررسی دیدگاه دانشجویان درباره شیوه آموزش دروس معارف اسلامی با تأکید بر خصایص جمعیت‌شناختی آنان، نشان داد که در میان دانشجویان استان مازندران بیش از دو سوم آنان (۷۷ درصد) بر ضرورت استفاده از شیوه‌های جدید آموزش معارف اسلامی تأکید کرده‌اند و به تنظیم دروس معارف اسلامی با رشته‌های تخصصی و از میان روشهای گوناگون به ارائه طرحهای پژوهشی بیشتر گرایش داشته‌اند. ۴۰/۴ درصد از دانشجویان، استادان را در سطح قوی و ۴۸/۳ درصد از آنان کیفیت متون آموزشی معارف اسلامی را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. لذا توجه به ضرورت تفکر، خلاقیت، تجزیه و تحلیل، زیبایی‌شناسی و نقد مباحث مطرح، از اصولی‌اند که جذابیت محتوایی را تقویت و زمینه‌های رشد و تعالی دانشجویان را در برابر چالشها و تهدیدهای پیش روی زندگی فراهم می‌کنند. یافته‌های تحقیق وی نشان داده است که دانشجویان به یادگیری عمیق و آموزش کاربردی معارف اسلامی تمایل دارند که با افزایش سطح تحصیلات بیشتر احساس می‌شود.

هرگوییچ و آندراسی (۲۰۰۵) پژوهشی را با عنوان «تفکر منتقدانه و باور به ماورا» در استرالیا انجام داده‌اند. آنان با بررسی ۱۸۰ دانشجو، نتیجه گرفتند که میان تفکر منتقدانه و باور به ماورا رابطه‌ای وجود ندارد.

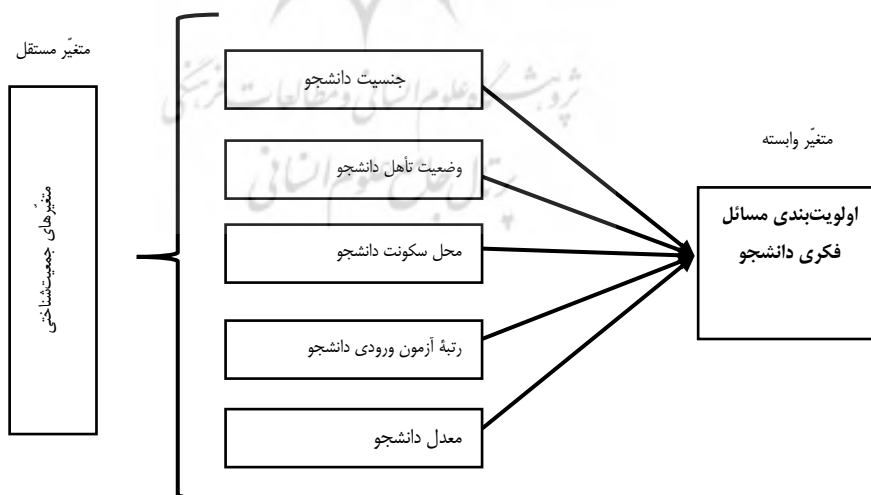
پنی کوک و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش «سبکهای شناختی و دینداری»، نقش تشخیص تضاد، تمایل به استدلال تحلیلی و باورها و اعمال مذهبی را بررسی کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد سازوکار بالقوه‌ای برای ارتباط منفی بین تفکر تحلیلی و دینداری در مسیحیت وجود دارد.

سروش رزمیار و چارلی ریو (۲۰۱۳) در پژوهش «تفاوتهای فردی در دینداری به عنوان کارکرد توانایی شناختی و سبک شناختی»، ضمن بررسی توانایی‌های شناختی و وضعیت دینداری دانشجویان دوره کارشناسی در یکی از دانشگاههای کشور آمریکا، نشان داده‌اند که پذیرش سبک عقلانی با دینداری مسیحیان رابطه منفی دارد؛ تفکر شهودی به پذیرش عقاید مذهبی منجر می‌شود و توانایی‌های شناختی بر دینداری مسیحیان اثر منفی می‌گذارد.

کندلر و ریمن (۲۰۱۳) طی پژوهشی به بررسی منابع ژنتیکی و محیطی پیرامون دینداری فردی با ویژگی‌های شخصیتی فردی، ادراک والدین و ادراک متقابل پرداختند و با بررسی ۸۷۰ دانشجو نشان دادند که واریانس در دینداری فردی به طور قابل توجهی تحت تأثیر اثرات ژنتیکی و زیست‌محیطی قرار گرفته است. دینداری فردی ارتباط معناداری با سن، جنس، و ویژگی‌های شخصیتی خاص (برای مثال توافق‌پذیری، گشوده بودن نسبت به ارزشها) و ادراک مذهبی بودن شرکای مهم تعاملات اجتماعی، مانند والدین، بهترین دوستان و همسران دارد.

### ۳. چارچوب نظری

با بررسی ادبیات پژوهش مشاهده می‌شود که نه تنها در ایران، بلکه در پژوهش‌های خارج از ایران نیز موضوعی مشابه با موضوع حاضر و با متغیرهایی مطابق متغیرهای این پژوهش وجود ندارد و در میان پژوهش‌های انجام‌شده، هیچ‌گاه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان به منظور بررسی و تدوین چارچوب مباحث آموزشی مد نظر قرار داده نشده است؛ بر همین اساس، تحقیق حاضر با توجه به کمبود مشاهده‌شده در ادبیات پژوهشی این حوزه، تلاش کرده است تا تفاوت‌های دانشجویان را از منظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر اولویت مسائل فکری بررسی کند. هدف نهایی این پژوهش، کسب اطلاع از چگونگی اثرگذاری متغیرهای جمعیت‌شناختی دانشجویان، مانند جنسیت، وضعیت تأهل، محل سکونت، رتبه آزمون ورودی یا معدل آنان بر ترجیحات‌شان درباره مباحث مطرح شده در کلاسها و کتب معارف است. پرسش اصلی (برگرفته از هدف نهایی پژوهش) این است که به طور کلی متغیرهای جمعیت‌شناختی گوناگون دانشجویان چه اثری بر اولویت یافتن مسائل فکری، شامل مسائل مرتبط با اصول عقاید، مباحث اجتماعی، مباحث مرتبط با خانواده و سبک زندگی، موضوعات اخلاقی و مباحث فلسفی مانند معرفت‌شناسی و نفس‌شناسی می‌گذارد. برای مثال، آیا ممکن است دانشجوی متأهل پرداختن به مباحث مرتبط با خانواده را در مقایسه با مباحث اجتماعی در ساعات برگزاری کلاس معارف ارجح بدارد؟ پاسخ به این سؤالات، به اساتید و نویسندگان کتب معارف و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان فرهنگی در سطوح کلان کمک خواهد کرد تا بازدهی و بهره‌وری کلاسهای معارف را افزایش دهند.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش (برگرفته از چارچوب نظری)

## ۴. فرضیه‌های پژوهش

### فرضیه اصلی:

متغیرهای جمعیت‌شناختی دانشجویان بر اولویت‌بندی مسائل فکری در ذهن آنان مؤثر است.

### فرضیه‌های فرعی:

۱. جنسیت دانشجویان بر اولویت‌بندی مسائل فکری در ذهن آنان مؤثر است.
۲. وضعیت تأهل دانشجویان بر اولویت‌بندی مسائل فکری در ذهن آنان مؤثر است.
۳. محل سکونت دانشجویان بر اولویت‌بندی مسائل فکری در ذهن آنان مؤثر است.
۴. رتبهٔ آزمون ورودی دانشجویان (رتبهٔ خام و بدون سهمیه) بر اولویت‌بندی مسائل فکری در ذهن آنان مؤثر است.
۵. معدل دانشجویان بر اولویت‌بندی مسائل فکری در ذهن آنان مؤثر است.

## ب) روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی به شمار می‌رود؛ زیرا هدف از انجام آن، توسعهٔ دانش کاربردی در خصوص نحوهٔ برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی برای ارتقای اثربخشی این دروس برای مخاطبان است. نتایج حاصل از انجام این پژوهش برای برنامه‌ریزان فرهنگی و اعتقادی در سطوح مختلف و همچنین اساتید معارف و علوم اسلامی در دانشگاهها استفاده می‌شود. این پژوهش بر اساس روش گردآوری داده‌ها، از نوع تحقیقات توصیفی، پیمایشی است؛ زیرا پژوهشگر آنچه را که هست، بدون دخالت و استنتاج ذهنی گزارش می‌دهد و به توصیف عینی واقعیات دربارهٔ مسائل فکری دانشجویان می‌پردازد و از نوع پیمایشی است؛ زیرا وضعیت این اولویت‌بندی را با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیت‌شناختی می‌سنجد. ابزار به کار رفته در این پژوهش، پرسشنامه است. جامعهٔ آماری پژوهش نیز دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف می‌باشند که در زمان انجام پژوهش، تعداد آنان ۵۳۲۲ بوده است.

به منظور ساماندهی این پژوهش و دستیابی به تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی بر آرای دانشجویان، ابتدا موضوعات مهم در حوزهٔ مباحث فکری و اعتقادی با مشورت اساتید باتجربه و خبره مشخص شد. سپس این موضوعات مهم در قالب پنج دستهٔ کلی طبقه‌بندی شدند که عبارتند از:

### ۱. مسائل معطوف به اصول عقاید؛ این بخش به طور عام به مباحث مرتبط با عقاید اشاره دارد و میزان

تمایل دانشجو به مطرح شدن مباحثی در این حوزه با سؤالاتی نظیر اثبات عقلی وجود خداوند، عادل

بودن خداوند، اثبات عقلی نیاز به دین در عصر حاضر، چرا باید عباداتی را انجام دهیم که علتش را نمی‌دانیم، آیا قرآن معجزه است و از جانب خداوند نازل شده است، عصمت انبیا و اولیا (علیهم‌السلام)، دلایل تحریف ادیان مسیحیت و یهودیت، دلایل عدم تحریف قرآن، بررسی تطبیقی ادیان در خصوص مسائل اعتقادی مثل توحید و معاد، منظور از کامل بودن دین اسلام چیست، اثبات عقلی وجود معاد، بررسی اثرات پذیرش معاد در زندگی انسانها، اولین جانشین بر حق پیامبر اسلام چه کسی است، بررسی ضرورت وجود امام معصوم (ع) پس از پیامبر اسلام (ص)، بررسی علت غیبت امام عصر (عجل‌الله) و وظایف شیعیان در عصر غیبت، سنجیده شده است.

**۲. تحلیل مسائل اجتماعی عصر حاضر؛** میزان علاقه دانشجویان به اختصاص زمان کلاسهای معارف برای طرح مباحثی در این حوزه با سؤالاتی چون: بررسی چگونگی برپایی عزاداری صحیح، بررسی دلایل شرکت در مراسم مذهبی، فلسفه و اهمیت حجاب، بررسی لزوم حجاب در جوامع اسلامی، حد رابطه دختر و پسر، بررسی معنای آزادی از منظر اسلام و مکاتب غربی، بررسی معنای عدالت از منظر اسلام و مکاتب غربی، بررسی مسئله صلح و خشونت در اسلام، آیا دین با تمدن سازگاری دارد، چرا تا به امروز نمونه کامل جامعه ایدئال اسلامی اجرا نشده است، بررسی کارکردهای دین در جهان عقلانی و پیشرفته امروز، آیا دین می‌تواند انسانهایی اخلاق‌گرا بسازد و بررسی اثر اعتقادات دینی در غنی‌تر کردن فکر و استدلال انسان، سنجش شده است.

**۳. مباحث مرتبط با خانواده و سبک زندگی؛** تمایل دانشجویان به طرح این مباحث نیز با سؤالاتی نظیر معیارهای انتخاب همسر مناسب، راه‌های برطرف کردن مشکلات خانوادگی و زناشویی، سبک زندگی ایرانی، سبک زندگی اسلامی و راه‌های دست یافتن به بهترین سبک زندگی، سنجش شده است.

**۴. موضوعات اخلاقی و تحلیل مباحث مرتبط با فلسفه اخلاق؛** که با گویه‌های بررسی راه‌های رشد عقلانیت در انسان، معیار فعل اخلاقی و نسبی یا مطلق بودن اخلاق سنجیده شده است.

**۵. مباحث فلسفی مانند معرفت‌شناسی و نفس‌شناسی؛** میزان تمایل دانشجویان به طرح مباحث این حوزه نیز با سؤالاتی مانند بررسی وجود جهانی در خارج از ذهن، بررسی امکان شناخت حقایق بیرون از ذهن، بررسی راه‌های جلوگیری از خطای حس و عقل، چگونگی دست‌یافتن به روشی برای حل سؤالات و معضلات فکری در حوزه علوم اسلامی، اثبات تجرد نفس و وجود بُعد غیر مادی در وجود انسان، بیان چگونگی ارتباط روح و بدن از دید اسلام و مکاتب غربی، سنجش شده است.

پایایی پرسشنامه طراحی شده بر اساس آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۶ بالا تشخیص داده شد. دانشجویان در این پرسشنامه پس از تکمیل مشخصات مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی خود، می‌توانستند به



موضوعات فکری مطرح شده، بر اساس میزان اولویت، در قالب طیف هفت‌تایی لیکرت، امتیازی بین یک تا هفت را بدهند. عدد یک به معنای کمترین میزان اهمیت و عدد هفت به معنای بیشترین میزان اهمیت نزد آنان بود. از میان دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه صنعتی شریف، با توجه به فرمول کوکران و با استفاده از نمونه‌گیری متناسب با حجم، ۳۵۶ دانشجو با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه میان آنان توزیع شد؛ بدین صورت که ابتدا از بین ۱۶ درس ارائه شده در گروه معارف، پنج درس به طور تصادفی انتخاب شد و پرسشنامه‌ها در روزها و ساعات مختلف، به روش نمونه‌گیری در دسترس، میان دانشجویان در ۱۰ کلاس از بین ۷۲ کلاس برگزار شده در گروه معارف توزیع شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات پس از گردآوری پرسشنامه و کدگذاری و استخراج آنها با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.۲۲ بر اساس فرضیات موجود صورت گرفته و خروجی‌ها به دو شکل توصیفی و استنباطی بررسی می‌شود. در شکل توصیفی، از جداول فراوانی و درصدها استفاده می‌شود و به توصیف آماری پرداخته می‌شود. اما در سطح استنباطی، برای تعیین رابطه بین متغیرها، از آزمون تی مستقل و برای بررسی اثر متغیرهای معدل و رتبه آزمون ورودی، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

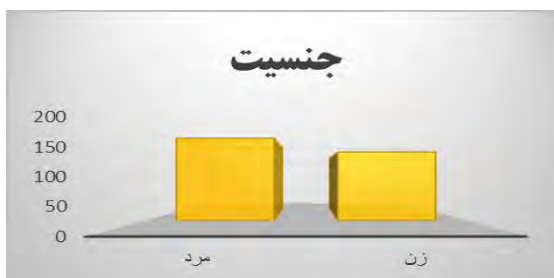
## ج) یافته‌های پژوهش

### ۱. آمار توصیفی

نخستین شاخص بررسی در اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، جنسیت است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی متغیر «جنسیت» شرکت‌کنندگان

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۸۵	۵۳٫۲
زن	۱۵۴	۴۴٫۳
بدون پاسخ	۹	۲٫۵
جمع کل	۳۴۸	۱۰۰/۰



## امید آهنچی ◇ ۲۴۱

دومین شاخص بررسی در اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، وضعیت تأهل آنهاست. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر «وضعیت تأهل» شرکت‌کنندگان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
متأهل	۱۲	۳.۴
مجرد	۳۲۶	۹۳.۷
بدون پاسخ	۱۰	۲.۹
جمع کل	۳۴۸	۱۰۰



سومین شاخص بررسی در اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، محل سکونت است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر «محل سکونت» شرکت‌کنندگان

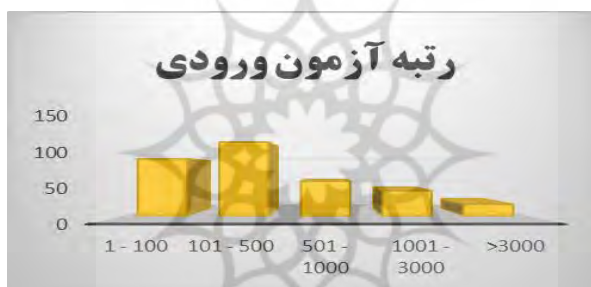
محل سکونت	فراوانی	درصد
تهران	۲۳۷	۶۸.۱
شهرستان	۹۸	۲۸.۲
بدون پاسخ	۱۲	۳.۷
جمع کل	۳۴۸	۱۰۰



شاخص دیگری که در توصیف وضعیت اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان بررسی شد، رتبه آنها در آزمون ورودی است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی متغیر «رتبه» شرکت‌کنندگان

رتبه	فراوانی	درصد
۱۰۰-۱	۹۲	۲۶.۴
۵۰۰-۱۰۱	۱۱۹	۳۴.۲
۱۰۰۰-۵۰۱	۵۶	۱۶.۱
۳۰۰۰-۱۰۰۱	۴۱	۱۱.۸
بالتر از ۳۰۰۰	۱۹	۵.۵
بدون پاسخ	۲۱	۶
جمع کل	۳۴۸	۱۰۰/۰



شاخص دیگری که در توصیف وضعیت اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان بررسی شد، معدل آنان بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این متغیر در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی متغیر «معدل» شرکت‌کنندگان

معدل	فراوانی	درصد
بالتر از ۱۹	۱۷	۴.۹
۱۹-۱۸	۵۴	۱۵.۵
۱۸-۱۷	۵۹	۱۷
۱۷-۱۶	۶۴	۱۸.۴
۱۶-۱۵	۵۴	۱۵.۵
۱۵-۱۴	۴۸	۱۳.۸
کمتر از ۱۴	۱۹	۵.۵
بدون پاسخ	۳۳	۹.۵
جمع کل	۳۴۸	۱۰۰/۰



## ۲. آمار استنباطی

برای بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، وضعیت تأهل و محل زندگی بر اولویت مسائل فکری میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، از آزمون تی مستقل و برای بررسی اثر متغیرهای معدل و رتبه آزمون ورودی، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است.

در جدول ۶، نتایج حاصل از تحلیل تی مستقل نشان داده شده است. در این جدول به مقایسه متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی عصر حاضر، خانواده و سبک زندگی، اخلاق و فلسفه آن و مباحث فلسفی میان دو گروه زنان و مردان پرداخته می‌شود.

جدول ۶: آزمون تی مستقل

متغیر	Sig	T	Sig(2-tailed)
اصول عقاید	۰/۰۱۰	-۲/۲۴۵	۰/۰۲۶
مسائل اجتماعی	۰/۰۴۵	-۱/۹۲۸	۰/۰۵
سبک زندگی	۰/۰۲۰	-۲/۱۱۸	۰/۰۳۶
فلسفه اخلاق	۰/۱۰۶	-۲/۳۲۸	۰/۰۲۱
مباحث فلسفی	۰/۱۶۹	-۱/۸۷۰	۰/۰۶۲

همانگونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، برای متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی، سبک زندگی و فلسفه اخلاق،  $Sig < 0.05$  به دست آمده است و این امر نشان می‌دهد که برای این متغیرها میان دو گروه دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. از سویی، جدول آماره‌های این دو گروه برای این متغیرها به شکل ذیل است:

جدول ۷: آماره‌های گروه زنان و مردان

متغیر	تعداد	میانگین
اصول عقاید	مردان	۴/۴۷
	زنان	۶/۰۵
مسائل اجتماعی	مردان	۴/۸۴
	زنان	۶/۰۸
سبک زندگی	مردان	۴/۳۶
	زنان	۶/۳۸
فلسفه اخلاق	مردان	۴/۶۷
	زنان	۶/۲۵

بر اساس نتایج حاصل از جدول ۷، متغیرهای مذکور میان دختران از اولویت بیشتری برخوردارند؛ اما برای مباحث مرتبط با فلسفه، تفاوت معناداری میان دو گروه دختران و پسران وجود ندارد.

جدول ۸ نتایج تحلیل تی مستقل را برای مقایسه متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی عصر حاضر، خانواده و سبک زندگی، اخلاق و فلسفه آن و مباحث فلسفی میان دو گروه افراد متأهل و مجرد نمایش می‌دهد.

جدول ۸: آزمون تی مستقل

متغیر	Sig	تی	Sig(2-tailed)
اصول عقاید	۰/۶۸۳	-۰/۰۸۰	۰/۹۳۷
مسائل اجتماعی	۰/۴۵۲	-۰/۳۹۹	۰/۶۹۰
سبک زندگی	۰/۶۴۵	-۰/۲۸۹	۰/۷۷۳
فلسفه اخلاق	۰/۲۸۳	۰/۶۳۹	۰/۵۲۳
مباحث فلسفی	۰/۰۰۱	۱/۷۷۷	۰/۱۰۲

همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، برای سایر متغیرها،  $Sig > 0.05$  به دست آمده است و این امر نشان می‌دهد که برای این متغیرها میان دو گروه افراد متأهل و مجرد تفاوت معناداری وجود ندارد.

در جدول ۹ نتایج تحلیل تی مستقل نشان داده شده است. در این جدول به مقایسه متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی عصر حاضر، خانواده و سبک زندگی، اخلاق و فلسفه آن و مباحث فلسفی میان دو گروه اهالی تهران و اهالی سایر شهرها پرداخته شده است.

جدول ۹: آزمون تی مستقل

Sig(2-tailed)	تی	Sig	متغیر
۰/۰۹۶	-۱/۶۸۰	۰/۰۰۰	اصول عقاید
۰/۲۰۲	-۱/۲۸۵	۰/۰۰۰	مسائل اجتماعی
۰/۲۱۷	-۱/۲۴۲	۰/۰۱۲	سبک زندگی
۰/۱۰۲	-۱/۶۵۱	۰/۰۰۰	فلسفه اخلاق
۰/۵۴۳	-۰/۶۲۲	۰/۳۳۳	مباحث فلسفی

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، برای متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی، سبک زندگی و فلسفه اخلاق،  $Sig > 0.05$  به دست آمده است و این امر نشان می‌دهد که برای این متغیرها میان دو گروه تهرانی‌ها و غیر تهرانی‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

در ادامه برای بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی معدل، رتبه آزمون ورودی و منطقه زندگی، از تحلیل واریانس و آزمون ANOVA استفاده می‌کنیم. نتایج حاصل از آزمون ANOVA برای متغیر معدل به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰: تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه مسائل فکری میان هفت گروه با معدلهای متفاوت

		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
اصول عقاید	Between Groups	386.429	6	64.405	1.709	.118
	Within Groups	11605.901	308	37.681		
	Total	11992.331	314			
مسائل اجتماعی	Between Groups	275.868	6	45.978	1.386	.220
	Within Groups	10214.115	308	33.163		
	Total	10489.983	314			
خانواده و سبک زندگی	Between Groups	1159.368	6	193.228	2.827	.011
	Within Groups	21054.472	308	68.359		
	Total	22213.839	314			
اخلاق و فلسفه آن	Between Groups	432.585	6	72.097	1.737	.112
	Within Groups	12785.908	308	41.513		
	Total	13218.493	314			
مباحث فلسفی	Between Groups	166.253	6	27.709	1.215	.298
	Within Groups	7026.539	308	22.813		
	Total	7192.792	314			

جدول ۱۰ نشان می‌دهد که در اولویت‌دهی به مسائل خانواده و سبک زندگی میان افراد با معدلهای گوناگون تفاوت معنادار وجود دارد ( $P=0.00<0.05$ )

جدول ۱۱: نتایج تحلیل تعقیبی شف برای متغیر معدل

متغیر	معدل(I)	معدل(J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
						Lower Bound	Upper Bound
خانواده و سبک زندگی	>=19	18 - 19	-1.83115	2.29935	.996	-10.0474	6.3851
		17 - 18	-.15852	2.27590	1.000	-8.2910	7.9739
		16 - 17	-.90662	2.25593	1.000	-8.9677	7.1544
		15 - 16	-1.00523	2.29935	1.000	-9.2215	7.2110
		14 - 15	-.34412	2.33350	1.000	-8.6824	7.9942
		<14	-8.48359	2.76024	.154	-18.3467	1.3795
	18 - 19	>=19	1.83115	2.29935	.996	-6.3851	10.0474
		17 - 18	1.67263	1.55709	.979	-3.8913	7.2365
		16 - 17	.92454	1.52775	.999	-4.5345	6.3836
		15 - 16	.82593	1.59116	1.000	-4.8598	6.5116
		14 - 15	1.48704	1.64013	.991	-4.3736	7.3477
		<14	-6.65244	2.20539	.172	-14.5329	1.2280
	17 - 18	>=19	-.15852	2.27590	1.000	-7.9739	8.2910
		18 - 19	-1.67263	1.55709	.979	-7.2365	3.8913
		16 - 17	-.74809	1.49222	1.000	-6.0802	4.5840
		15 - 16	-.84670	1.55709	1.000	-6.4106	4.7172
		14 - 15	-.18559	1.60710	1.000	-5.9282	5.5570
		<14	-8.32507*	2.18093	.026	-16.1181	-.5320
	16 - 17	>=19	.90662	2.25593	1.000	-7.1544	8.9677
		18 - 19	-.92454	1.52775	.999	-6.3836	4.5345
		17 - 18	.74809	1.49222	1.000	-4.5840	6.0802
		15 - 16	-.09861	1.52775	1.000	-5.5577	5.3605
		14 - 15	.56250	1.57868	1.000	-5.0786	6.2036
		<14	-7.57697	2.16008	.050	-15.2955	.1416
15 - 16	>=19	1.00523	2.29935	1.000	-7.2110	9.2215	
	18 - 19	-.82593	1.59116	1.000	-6.5116	4.8598	
	17 - 18	.84670	1.55709	1.000	-4.7172	6.4106	

متغیر	معدل(I)	معدل(J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
						Lower Bound	Upper Bound
		16 - 17	.09861	1.52775	1.000	-5.3605	5.5577
		14 - 15	.66111	1.64013	1.000	-5.1996	6.5218
		<14	-7.47836	2.20539	.078	-15.3588	.4021
	14 - 15	>=19	.34412	2.33350	1.000	-7.9942	8.6824
		18 - 19	-1.48704	1.64013	.991	-7.3477	4.3736
		17 - 18	.18559	1.60710	1.000	-5.5570	5.9282
		16 - 17	-.56250	1.57868	1.000	-6.2036	5.0786
		15 - 16	-.66111	1.64013	1.000	-6.5218	5.1996
		<14	-8.13947*	2.24097	.043	-16.1471	-.1318
	<14	>=19	8.48359	2.76024	.154	-1.3795	18.3467
		18 - 19	6.65244	2.20539	.172	-1.2280	14.5329
		17 - 18	8.32507*	2.18093	.026	.5320	16.1181
		16 - 17	7.57697	2.16008	.059	-.1416	15.2955
		15 - 16	7.47836	2.20539	.078	-.4021	15.3588
		14 - 15	8.13947*	2.24097	.043	.1318	16.1471

\*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

جدول ۱۱ نشان می‌دهد که میان افراد با معدل کمتر از ۱۴ و افراد با معدل‌های بالاتر (۱۸-۱۴)، در اولویت‌دهی به مسائل خانواده و سبک زندگی تفاوت معنادار وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون ANOVA برای متغیر رتبه در آزمون ورودی به شرح جدول ۱۲ است.

جدول ۱۲: تحلیل واریانس یک‌راهه برای مقایسه مسائل فکری میان پنج گروه با رتبه‌های متفاوت

		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
اصول عقاید	Between Groups	303.044	4	75.761	2.061	.086
	Within Groups	11839.166	322	36.768		
	Total	12142.210	326			
مسائل اجتماعی	Between Groups	209.907	4	52.477	1.601	.174
	Within Groups	10557.662	322	32.788		
	Total	10767.570	326			
خانواده و سبک	Between Groups	369.531	4	92.383	1.360	.248



		Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
زندگی	Within Groups	21868.280	322	67.914		
	Total	22237.811	326			
اخلاق و فلسفه آن	Between Groups	257.688	4	64.422	1.598	.175
	Within Groups	12985.191	322	40.327		
	Total	13242.879	326			
مباحث فلسفی	Between Groups	138.693	4	34.673	1.535	.192
	Within Groups	7273.540	322	22.589		
	Total	7412.233	326			

شاخص Sig در جدول ۱۲ برای تمامی مقولات بالاتر از ۰/۰۵ است و این امر نشان می‌دهد که رتبه‌های گوناگون در آزمون ورودی، در ترجیح مسائل فکری میان افراد، اختلاف معناداری ایجاد نمی‌کنند.

### د) بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی سن، وضعیت تأهل و محل زندگی بر اولویت مسائل فکری میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف از آزمون تی مستقل استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که برای متغیرهای اصول عقاید، مسائل اجتماعی، سبک زندگی و فلسفه اخلاق، میان دو گروه دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که این مباحث در میان دختران اولویت بیشتری دارند. برای مباحث فلسفی تفاوت معناداری میان دو گروه دختران و پسران وجود ندارد. با توجه به چنین نتیجه‌ای، می‌توان دریافت که باید دو راهبرد را در خصوص تدریس دروس معارف اسلامی اتخاذ کرد. اول آنکه از فرصت به وجود آمده در فضای دانشجویان دختر برای تبیین حقایق دینی با روشهای مناسب، بهره کافی و مطلوب را برد. دوم اینکه برای پسران ابتدا باید ضرورت ورود به مباحث اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی را تبیین کرد تا با سلامت فطرت و عقل آگاه خود، به لزوم تبیین این مسائل پی ببرند و سپس اساتید محترم با بهره‌مندی از اشتیاق به وجود آمده، به تبیین حقایق دینی و اخلاقی همت گمارند؛ زیرا اگر مخاطب هوشمند، به ارزش و تأثیر شگرف مطالب گفته شده در زندگی‌اش واقف شود، بدون شک مشتاق شنیدن و عمل کردن به این مطالب خواهد بود. نکته شایان توجه در این خصوص، این است که نتایج حاصل از پژوهش حاضر به این معنا نیست که پسران نسبت به مباحث عنوان شده اقبالی ندارند؛ بلکه حاکی از اولویت کمتر این مباحث برای پسران نسبت به دختران است.

از سوی دیگر، روشن شد متغیرهای جمعیت‌شناختی وضعیت تأهل و محل زندگی (تهران یا غیر تهران) بر اولویت مباحث فکری بررسی‌شده در پژوهش تأثیری ندارند و تفاوت معناداری میان گروه‌های مذکور مشاهده نشد. با دقت در چنین نتیجه‌ای روشن می‌شود که لزومی برای طراحی عناوین درسی متفاوت برای دانشجویان تهرانی یا غیر تهرانی که در حال حاضر همگی در تهران تحصیل می‌کنند، وجود ندارد و نیازهای فکری آنان به یکدیگر نزدیک است. البته برای دستیابی به پاسخ این سؤال که آیا نیازهای فکری دانشجویان استانهای مختلف کشور با یکدیگر متفاوت است یا خیر، نیاز به انجام پژوهشی مشابه این پژوهش در سایر استانهای کشور است که بتوان با مقایسه نتایج آنها با یکدیگر به پاسخ این سؤال دست یافت.

دست یافتن به پاسخ این سؤال از آن حیث اهمیت دارد که راهبرد تدوین متون درسی را مشخص می‌سازد؛ بدین معنا که آیا لازم است برای استانهای مختلف، متون متفاوتی تدوین کرد یا متون یکسان برای تمامی استانهای کشور قابل بهره‌برداری اند؟

برای بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی معدل و رتبه آزمون ورودی از تحلیل واریانس استفاده شد و ملاحظه شد که در اولویت‌دهی به مسائل خانواده و سبک زندگی میان افراد با معدل‌های گوناگون تفاوت معناداری وجود دارد. تحلیل‌های تعقیبی نشان دادند که میان افراد با معدل کمتر از ۱۴ و دانشجویان با معدل‌های بالاتر (بین ۱۴ تا ۱۸)، در اولویت‌دهی به مسائل خانواده و سبک زندگی تفاوتی معنادار وجود دارد؛ این امر نشان می‌دهد که دانشجویان با معدل بالاتر، علاقه و توجه بیشتری نسبت به تحلیل و بررسی مباحث فکری و فلسفی شامل چهار گروه اصول عقاید، مسائل اجتماعی، اخلاق و فلسفه آن و مباحث فلسفی دارند؛ اما دانشجویان با معدل کمتر از ۱۴، به بررسی مسائل مربوط به مباحث خانواده و سبک زندگی توجه بیشتری نشان می‌دهند. حال آنکه روشن است مباحث مرتبط با خانواده برای همه اقشار دانشجویان و با هر سطح علمی لازم است. بدین سبب بایسته است تا از روشهای مناسب ترویجی در این خصوص برای عموم دانشجویان و به خصوص دانشجویان دارای معدل بالاتر بهره برد.

از سوی دیگر، مشاهده شد که میان افراد با رتبه‌های گوناگون در آزمون ورودی در اولویت‌دهی به مسائل فکری و فلسفی تفاوت معناداری وجود ندارد و چنین نیست که رتبه‌های برتر نیاز بیشتری نسبت به طرح موضوعی خاص در مسائل فکری داشته باشند.

با توجه به توضیحات پیش گفته، در نهایت می‌توان گفت که بر اساس نتایج این پژوهش، شواهد کافی برای تأیید فرضیات اول و پنجم پژوهش به دست آمد؛ اما فرضیات دوم، سوم و چهارم تأیید نشدند.

با توجه به اینکه پژوهش مشابهی با متغیرهای بررسی‌شده در پژوهش حاضر یافت نشد، امکان مقایسه یافته‌های به دست آمده با تحقیقات پیشین وجود نداشت.

## پیشنهادها

پیشنهادهای حاصل از نتایج این پژوهش را می‌توان در دو دسته کلی جای داد: نخست، پیشنهادهایی که به موضوعات جدید برای پژوهشهای آتی اشاره دارند و دوم، پیشنهادهای کاربردی که می‌توانند در برنامه‌ریزی مسئولان برای تعیین سرفصلهای دروس معارف اسلامی، مد نظر قرار گیرند.

با توجه به کمبود شواهد و تحقیقات در ادبیات پژوهش، انجام پژوهشی مشابه، با جوامع آماری متفاوت، اعم از دانشگاههای سراسر کشور با رتبه‌های علمی گوناگون ضروری به نظر می‌رسد. همچنین رصد تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی در دانشگاه شریف و انجام مجدد پژوهش حاضر در سالهای آتی نیز مطلوب است؛ زیرا می‌توان در پی این پژوهش، به پایش مطلوب این تأثیرات بر اولویتهای فکری دانشجویان دست یافت.

پیشنهادهای کاربردی معطوف به نتایج این پژوهش، به دو مسئله اشاره دارند: اول، پذیرش تفاوت در نیازهای دختران و پسران نسبت به سرفصلهای آموزشی و دوم، تأکید بر تبیین اهمیت مسائل مرتبط با خانواده متعادل برای همه دانشجویان.

در خصوص تفاوت‌های دختران و پسران در اولویت‌دهی به مسائل گوناگون، پیشنهاد می‌شود اساتید و برنامه‌ریزان دانشگاههایی که در آنها برای کلاسهای دروس معارف، تفکیک جنسیتی صورت گرفته است، به این تفاوتها هنگام تعیین سرفصل مطالب توجه کنند و اگر چنین تفکیکی در کلاسهای دروس معارف اسلامی وجود ندارد، تمهیداتی همچون ارائه آموزشهای مجازی برای مطالب مورد نیاز هر گروه اندیشیده شود تا به نسخه‌ای واحد برای جنسیت‌های مختلف بسنده نکنیم و بتوانیم برای هر جنسیت، راهکاری مجزا و مطلوب ارائه کنیم.

در خصوص عدم اولویت‌دهی دانشجویان با معدل بالا نسبت به مباحث مرتبط با خانواده و راههای تحکیم آن، با دقت و پذیرش ضرورت مطلع بودن همه جوانان و دانشجویان کشور از این مباحث و لزوم داشتن آگاهی کامل نسبت به آن، لازم است با ایجاد برنامه‌ای دقیق و اصولی، ابتدا اهمیت و ضرورت پرداختن به این مباحث برای همه دانشجویان و به خصوص دانشجویان دارای معدل بالاتر مشخص شود تا در پی این آشنایی اولیه، اقبال به پرداختن نسبت به این مبحث ضروری در جوامع دانشگاهی حاصل آید؛ زیرا اگر بنیان خانواده در جامعه‌ای سست شود، بی‌گمان صحبت از دستیابی به کمال فردی و اجتماعی در آن جامعه بی‌معنی خواهد بود.



## منابع

- امینی، محمد، حمید رحیمی و زهره صمدیان (۱۳۹۲). «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی کاشان». *اسلام و پژوهشهای تربیتی*، ش ۱: ۸۹-۱۰۸.
- باهنر، ناصر (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بهار، مهری (۱۳۸۵). «مطالعات دینی در نظام آموزش عالی ایران». *آموزش عالی ایران*، ش ۱(۳): ۱۳۵-۱۴۹.
- حسین زاده، محمد (۱۳۸۱). نگرش دینی مسئولان و اساتید دانشگاه درباره افزایش کیفیت آموزش دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۴). «بررسی دیدگاه دانشجویان درباره شیوه آموزش دروس معارف اسلامی با تأکید بر خصایص جمعیت‌شناختی آنان (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران)». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی «سمت»*، ش ۱۹(۳۷): ۹۸-۱۱۷.
- سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر (۱۳۸۸). «سنجش دینداری با رهیافت بومی». *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)*، ش ۱(۲): ۱-۱۸.
- سفیری، خدیجه؛ محمد میرسندسی و فاطمه عمو‌عبداللهی (۱۳۹۵). «بررسی رابطه تفکر انتقادی و ابعاد اصلی دینداری در بین دانشجویان کارشناسی ارشد». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ش ۵(۳): ۴۵۷-۴۸۴.
- سیف، علی‌اکبر و سیده مریم حسینی (۱۳۸۰). «مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان با توجه به جنسیت، مقاطع تحصیلی و رشته تحصیلی». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۱.
- شفیع‌پور مطلق، فرهاد خدادادی و حسین خدادادی (۱۳۸۷). «جذایب بخشیدن به کلاسهای دروس معارف اسلامی دانشگاهها». مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی. کرمان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). *شبهه در اسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کشتاورز، سوسن (۱۳۸۷). «شاخصها و آسیبهای تربیت دینی». *تربیت اسلامی*، ش ۶: ۹۳-۱۲۲.
- مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۵). «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی». *تحقیق و برنامه‌ریزی آموزش عالی*، ش ۴۱.
- مهرمحمدی، محمود و پروین صمدی (۱۳۸۲). «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی». *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۳: ۳۴-۹.
- میرسندسی، محمد (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دینداری*. تهران: جامعه‌شناسان.
- Hergovich, A. & M. Arendasy (2005). "Critical thinking ability and belief in the paranormal". *Personality and Individual Deference's*, No 38: 1805-1812.

- Kandler, C. & R. Riemann (2013). “**Genetic and Environmental Sources of Individual Religiousness: The Roles of Individual Personality Traits and Perceived Environmental Religiousness**”, *Behavior Genetics*, No 43(4): 297-313.
- Razmyar, S. & C. Reeve (2013). “**Individual differences in religiosity as a function of cognitive ability and cognitive style**”. *Intelligence*, No 41: 667–673.

#### منابع ترجمه شده

- Amini, M., H. Rahimi & Z. Samadiyan (2013). “**A Review of University Students Views on the Obstacles for Effectiveness of Lessons on Islamic Sciences in Kashan Azad Islamic University**”. *Islam va Pazhuheshhaye Tarbiyati*, Vol. 5, No 1.
- Bahar, M. (2009). “**Religious stuies in Iran`s higher education system**”. *Iranian of higher education*, No 3.
- Bahonar, N. (1999). **Teaching religious concepts in line with developmental psychology**. Tehran. Sazman Tablighat Islami.
- Halimi Jelodar, H. (2015). “**Investigating students' views on the teaching methods of Islamic education courses with emphasis on their demographic characteristics (case study: Mazandaran University students)**”. *Pazohesh Va Negaresh*, No 37.
- Hossain Zadeh, M. (2002). **The religious attitude of university officials and professors towards increasing the quality of religious education**. Isfahan University.
- Keshavarz, S. (2008). “**Indexes and pathology of religious education**”. *Biquarterly journal of Islamic education*, No 6.
- Majidi, M. & A. Fatehi (2006). “**Assessing students' attitudes towards Islamic education courses**”. *Journal of research and planning in higher education*, No 41.
- Mehr Mohammadi, M. & P. Samadi (2003). “**A Curricular Approach to Religious Education in Secondary School Revisited**”. *Journal of educational innovations*, No 3.
- Mirsondosi, M. (2011). **An Introduction to the Sociology of Religion and Types of Religion**. Tehran: Jamee shanasan.
- Safiri, Kh., M. Mirsondosi & F. Amoabdolahi (2016). “**The investigate relationship between critical thinking and dimensions of religiosity in master student**”. *Social studies and research in Iran*, No 3.
- Saif, A. & S.M. Hossaini (2002). “**Comparison of students' learning styles according to gender, level of education and field of study**”. *Journal of research and planing in higher education*, No 1.
- Serajzadeh, S.H. & M. Poyafar (2010). “**Measurement of religiosity with indigenous approach**”. *Social studies and research in Iran*, No 2.

- Shafipour, F. & H. Khodadadi (2008). **Attracting classes in Islamic studies courses at universities**. Kerman: Islamic Azad University.
- Tabatabaee, M. (1995). **Almizan Interpretation**. Ghom: Islamic publishing office.
- Tabatabaee, M. (2000). **Shia in Islam**. Ghom: Islamic publishing office.

